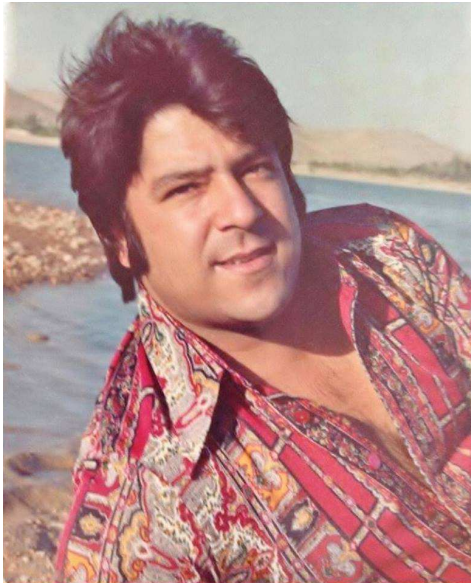


## به یاد شهید احمد ظاهر

ماه جوزا سومین ماه در سال هجری خورشیدی، و اواخر فصل بهار است. به سخن دیگر این ماه، ماه طراوات و شادابی و سرسبزی طبیعت در افغانستان عزیز می باشد. ولی، سال ها قبل در هوای خوشگوار ماه جوزا دو گل زیبای هنر موسیقی پرپر شده و به خاموشی گراییدند. گویا رقم رفته بود که هنر دوستان و علاقمندان موسیقی در سوگ شهادت هنرمند بی بدیل و خنجره طلایی افغانستان شهید احمد ظاهر، و درست سه سال بعد آن باز هم در ماه جوزا در ماتم سرتاج موسیقی، بابای موسیقی، کوه بلند موسیقی کلاسیک افغانستان، استاد محمد حسین سرانگ بنشینند.

اکنون از شهادت احمد ظاهر آن جوان هنرمند سی و پنج سال می گذرد و از وفات پیر خرابات استاد سرانگ سی دوسال سپری شده است. ولی، هنوز از خاطر هنر دوستان و علاقمندان موسیقی اصیل افغانی فراموش نگردیده اند گفته اند: « هنر این پدیده شریف توانایی است برای نفی مرگ » هنرمندان همیشه در فرهنگ مردم و در قلب مردمش جای داشته و دارند، با مردم خود رشد می نمایند و حیات به سر می برند.



احمد ظاهر این بلبل خوشنوا به روز 24 جوزای سال 1325 هجری خورشیدی در خانه یک خانواده تحصیل دیده و مرفه در شهر کابل چشم به دنیا گشود، دوره کودکی را پشت سر گذاشته و شامل مدرسه گردید هنوز بیشتر از دوازده سال نداشت که برای بار اول در روز معلم روی سنج لیس حبیبه ظاهر گشت و آواز گرمش را نثار دانش آموزان و دانش جویان آن مدرسه کرد و مورد تحسین همه قرار گرفت. طی چند کنسرتی که در لیس حبیبه انجام داد، او را « بلبل حبیبه » لقب دادند.

احمد ظاهر پس از اخذ سند فراغت مکتب شامل دارالمعلمین کابل شد و به تحصیلات خود ادامه داد و هم سفری نیز به هندوستان داشته در رشته تعلیم و تربیه تحصیل نمود. در پهلوی فراگیری درس و تعلیم هیچ گاهی فراموش نکرده و به تلاش خود در این رشته دوام داد.

احمد ظاهر چون جوان پرکار بوده و علاقمندی خاصی به موسیقی داشت آوازش را از محافل دوستان و مدرسه بیرون کشیده و به یاری گروه آماتور که تازه تحت نظر ظاهر هویدا و عزیز آشنا در رادیو افغانستان تشکیل شده بود در برنامه های موسیقی آماتور رادیو سهم گرفته و نخستین آهنگ نابش را در سال 1343 از طریق امواج رادیو نثار تمام علاقمندان موسیقی نمود. با پخش اولین آهنگ؛ نخستین قدم های بود که احمد ظاهر جوان در میان هنرمندان جای پای برای خود کسب کرد. احمد ظاهر در سرودن آهنگ هایش ابتکارات را به خرج می داد زیرا وی خود واقعا یک هنرمند بود و همین باعث شد که هر آهنگش شوری و ویژه گی خودش را داشت. این هنرمند محبوب فرآورده هایش را با صمیمیت و لبخند همیشه گی و با ژست های دلپذیر هنری نثار هنردوستانش می نمود. محبوبیت روز افزونش در بین مردم سبب گردید که در سال 1351 هجری خورشیدی به حیث خواننده سال از طرف دوستداران آوازش انتخاب گردد. احمد ظاهر عشق عجیبی به آواز خوانی داشت که این علاقمندی را کمتر می توان در دیگر هنرمندان سراغ کرد. او همیشه می خواست بسراید، صدایش سوزی عجیبی داشت، در قالب آهنگ هایش چنان می درآمد که شنونده را با خود محو می کرد همیشه در تلاش بود تا آهنگ بعدی اش را بهتر از آهنگ قبلی اش آماده ثبت بسازد شعر های زیبا، پرمعنی را از شعرای شناخته شده زبان فارسی دری انتخاب می کرد.

احمد ظاهر به تمام هم قطاران، همکاران و هنرمندان با پیش آمد خوب دوستانه و صمیمی قدم بر می داشت. با وجودی که از زنده گی مرفه بر خوردار بود ولی هرگز مردمش را فراموش نمی کرد خود را شریک غم و خوشی های مردمش می ساخت.

احمد ظاهر از جمله صداها آهنگ که اجرا کرده صرف توانست دو آهنگ را در تلویزیون افغانستان لبسنگ نماید. بار دیگر که می خواست چند آهنگ دیگرش را ثبت تلویزیون نماید همه آماده گی ها گرفته شده بود. زمانی که احمد ظاهر داخل محوطه یا تعمیر تلویزیون شد برایش گفته شد نخست باید یک آهنگ انقلابی « خلقی » ثبت نماید در غیر آن اجازه ثبت آهنگ های دیگر را ندارد. احمد ظاهر بسیار عصبانی شد. و از رادیو تلویزیون افغانستان برید

احمد ظاهر با وجودی که همیشه مست و خندان و دارای سیمای صمیمی و دوست داشتنی بود اما چرخ روزگار گاه گاهی آزارش می داد. به خصوص زمانی که پایش در یک توطئه کشانیده شد و تا چشم برهم زدن خود را عقب میله های زندان یافت. این واقعه المناک تنها احمد ظاهر را متأثر نساخت بلکه خانواده احمد ظاهر به خصوص مادر مهربانش را از پا درآورد. چند زمانی از زندانی شدن احمد ظاهر نگذشته بود که خبر مرگ مادرش را در اتاق تنگ و تاریک زندان شنید این خبر

مانند خنجرى تیزی بود که بر سینه احمد ظاهر اصابت کرد وبا دستان الچک زده راهی قبرستان شد و بالای گور مادرش زار زار گریست.

زمانی که از زندان رهایی حاصل نمود خیلی ها غمگین به نظر می رسید آن همه مستی و شادابی سابق را نداشت وبا نبود مادر عزیزش ، خیلی ها خود را تنها احساس می کرد اما دلخوشی اش انتظار طفلی بود که انتظار آمدنش را می کشید .

خوب به خاطر دارم که حوالی ساعت 6 شام روز 23 جوزای 1358 هجری خورشیدی بود. آنوقت خیال محمد کتوازی رئیس کمیته رادیو تلویزیون افغانستان بود، به دفتر ما تیلفون کشیده هدایت داد تا در هر برنامه که آواز احمد ظاهر است، حذف گردد . هنوز چند دقیقه نگذشته بود که خبر وفات احمد ظاهر از طریق آژانس باختر به مدیریت اخبار رادیو رسید . زمانی خبر از طریق امواج رادیو به نشر رسید اصلا کسی باور نمی کرد که احمد ظاهر مرده است، و هیچ کس نمی دانست که احمد ظاهر چه گونه مرده است ؟ چون در آن زمان فضای خفقانزای بگیر و ببند بکش بر تمام مردم شریف افغانستان سایه افکنده بود و همه در ترس و حراس بودند .

خبر تاتر انگیزی که قلب ملیون ها انسان با احساس و علاقمندان احمد ظاهر را به گریه وا داشت و هزاران خانه را ماتم خانه ساخت و هزاران ناله و فریاد به آسمان بلند شد . تاتر و خشم دوستداران آواز احمد ظاهر زمانی بیشتر گردید، که رژیم دست نشانده و قاتلین احمد ظاهر ، مرگ این هنرمند بی بدیل را یک حادثه ترافیکی وانمود



کردند .

فردای آن روز زمانی که جنازه احمد ظاهر از منزل شان برداشته شد هزاران تن از علاقمندان آواز احمد ظاهر به شمول زن و مرد ، پیرو جوان ، جنازه احمد ظاهر را تا شهدای صالحین همراهی کردند . برای اولین بار بود که دوشیزه گان جوان با لباس های سیاه در پهلوی موتر جنازه احمد ظاهر با چشمان پر از اشک قدم بر میداشتند.

بلی احمد ظاهر کشته شد و تا کنون مقامات دولتی وقت و دولت های بعدی که یکی پی دیگر بالا و پایین شدند هیچ گونه اقدام و راه یابی درزمینه این قضیه نکرده اند و تاکنون هم انگیزه قتل احمد ظاهر مانند معمای باقی مانده است .

آری ، اکر امروز احمدظاهر در میان ما نیست ، خاطره ها و یادها و آهنگ های شور انگیز و جاویدان او را داریم و همین آهنگ ها و سروده هایش و کست ها ، سی دی های اوست که تاکنون دست به دست می گردد و به گوش های علاقمندان آواز طنین می افکند .

قاتلین احمدظاهر فکر می کردند با از بین بردن احمد ظاهر صدایش را برای همیشه خاموش خواهند ساخت ، اما چون این هنرمند والا گهر به مردمش تعلق داشت و دارد بعد از مرگ نیز درقلب مردمش مانده گارماند و روی جنایت کاران باند خلق و پرچم برای همیشه سیاه خواهد بود . درحالی که به روح پاک احمدظاهر این شهید به خون خفته درود می فرستیم به قاتلین او ابراز نفرت می نماییم.

خداوند بیامرزدش .